



## معناشناسی دو وصف «أنزع» و «بَطین»

### از صفات امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸ | بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷ | پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱

سیدعلی موسوی نسب<sup>۱</sup> جواد رنجبر<sup>۲</sup>

#### چکیده

مفهوم‌شناسی و واکوی دلالت‌های معنایی واژه‌ها از شیوه‌های نوگرا در پژوهش‌های ادبی است. در روش معناشناسی زاویه جدیدی از مطالعات واژگانی و شبکه معنایی ارائه می‌شود. محدثان، مؤرخان و سیره‌نویسان، اوصاف متعددی را برای امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بیان کرده‌اند که در میان این اوصاف، دو صفت «أنزع» و «بَطین» مورد توجه خیلی از پژوهشگران قرار گرفته است. در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به کمک منابع روایی و لغوی اصیل، خاستگاه اصلی و دلالت‌های معنایی این دو وصف تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اولاً دو صفت أنزع و بَطین در لغت عرب، از اوصاف ستایشی و ایجابی محسوب می‌شوند و هیچ‌گونه بار معنایی منفی ندارند. ثانیاً روایاتی که این دو صفت را برای علی (علیه السلام) بیان کرده‌اند عمدتاً در مقام بیان اوصاف باطنی و معنوی حضرت هستند. ثالثاً اولین کسی که صفت «أنزع بَطین» را برای علی (علیه السلام) به کار برده، رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بوده و فرموده: أنزع یعنی بریده شده از شرک، و بَطین یعنی سرشار و پُر شده از علم و دانش؛ بنابراین، تعبیر به این دو صفت در برخی از دعاها و زیارت‌نامه‌ها هیچ‌گونه ارتباطی به توصیف شکل و شمایل ظاهری حضرت ندارد، بلکه اشاره است به همان توصیف معنوی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از امیرالمؤمنین (علیه السلام) کرده است. شایان ذکر است که دو صفت «أنزع» و «بَطین» در تمام روایات مسندی که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده با تفسیر خاص آن حضرت از این دو صفت نقل شده است.

#### کلیدواژه‌ها: امام علی (علیه السلام)، صفات أنزع و بَطین، معناشناسی، صفات ظاهری، صفات معنوی.

1. Seyedali770@pnu.ac.ir

2. j.ranjbar@pnu.ac.ir

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران:

۲. استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

## ۱. مقدمه

فهم دقیق واژگان و ترجمه آن همواره برای غیرعرب‌زبانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. لذا توجه به معنای دقیق واژگان مهم‌ترین گام در ترجمه صحیح و رعایت امانت‌داری به شمار می‌رود. یکی از مسائل مورد بحث در خصوص ابعاد وجودی و شخصیتی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، بحث درباره شمایل و شکل ظاهری آن حضرت است. محدثان فریقین در کتب روایی و مورخان و سیره‌نویسان در کتاب‌های تاریخی و سیر، اوصاف متعددی برای امام علی (علیه السلام) ذکر کرده‌اند؛ «اوصافی مانند: «آنزع»، «بطین»، «أصلع»، «ربعه»، «أرشح»، «أغید»، «دَحْداح»، «أرقب»، «أبلج»، «أخفش العین»، «أدعج العینین»، «عظیم العینین»، «أزج الحاجبین»، «أزلف الأنف»، «أقری الظهر»، «عریض الصدر»، «عریض المنکبین»، «عظیم البطن»، «عظیم الهامة»، «شدید الساعد»، «ثبت الجنان»، «حسن الوجه»، «ششن الکفین»، «عظیم الکرادیس»، «عریض اللحیة»، «ظاهر السمرة»، «کثیر الشَّعر»، «مَحض المتن»، «ضخم کسور»، «غلیظ العضلات»، «حَمش الساقین»، «واضح البشاشة»، «دقیق الأصابع»، «غلیظ الذراعین»، و...» (ابن ابی‌الدنیا، ۱۴۱۱ ق: ۶۷، ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۳: ۳۰۷)، لکن در میان این اوصاف، دو وصف «آنزع» و «بطین»، توجه بسیاری از پژوهشگران را به سوی خود جلب کرده است. در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی، به تبیین دقیق و خاستگاه اصلی این دو وصف پرداخته می‌شود تا ضمن تبیین دلالت‌های معنایی این دو صفت، جلوه‌هایی از اوصاف امام بلاغت و فصاحت در زبان عربی برای مخاطبان به تصویر کشیده شود.

این پژوهش با اختصاص دادن به معنای واژه‌های «آنزع و بطین»، نظر به ویژگی این دو کلمه در روایات، در صدد است به منشأ آن پی ببرد و میزان تناسب معنایی آن با مفاهیم لغوی و اصطلاحی پژوهشگران، لغت‌شناسان و مفسران را بررسی کند.

## ۱-۱. سوال‌های پژوهش

در راستای تبیین مفهوم‌شناسی واژگانی، این جستار بر آن است ضمن بررسی دو واژه «آنزع و بطین» از اوصاف امام علی (علیه السلام) از این رهگذر به یکی از فرایندهای کاربردی صفات

(سید علی موسوی نسب، جواد رنجبر)

آن حضرت در حیطة زبان‌شناسی اشاره کند. این پژوهش مبتنی بر دو سوال اصلی است:

۱. چگونه تفاوت کاربردی و اعتباری این دو صفت، باعث‌گزینش معنای سطحی و ظاهری این دو واژه شده است؟

۲. معنای واژه‌های «انزع» و «بطین» و دلالت‌ها و ویژگی‌های معنایی آن‌ها در لغت و تفسیر چیست؟

### ۱-۲. پیشینه پژوهش

بر اساس بررسی‌هایی که نویسندگان این جستار انجام داده‌اند، پژوهش‌های متعددی که هر کدام از منظری به موضوع مفهوم‌شناسی واژه‌ها نگریسته‌اند به رشته تحریر درآمده است، اما پژوهشی که محور اصلی آن معناشناسی واژه‌های «انزع و بطین» از اوصاف امام علی (علیه السلام) باشد، یافت نشد. برخی پژوهش‌های مرتبط با موضوع که نگارندگان این نوشتار به فراخور نیاز از آن‌ها استفاده کرده‌اند به این شرح است:

- مقاله «نقد و تحلیل روایات «الانزع البطین» در جوامع روایی فریقین»؛ اثر فقیه ایمانی و کریمی (۱۳۹۵) که نگارندگان در این نوشتار، ضمن واکاوی و نقد ویژگی‌های بیان شده، بر این اعتقاد هستند که اوصافی مانند: «اصلع»، «اجلح» و «عظیم البطن» با هدف مذمت آن حضرت و جوسازی در مقابل دو صفت «انزع» و «بطین» که توسط رسول خدا ﷺ به علی (علیه السلام) نسبت داده شده بود، رواج یافت.

- مقاله «تحلیل معنایی صفت «انزع بطین» در منابع فریقین»؛ نوشته عشایری منفرد (۱۴۰۱) که این مقاله با رویکردی تفسیری و کلامی به بررسی این دو واژه در زبان و فرهنگ عربی و منابع فریقین به معنای واقعی آن پرداخته و اثبات کرده است که «انزع» و «بطین» معنای مدح دارند.

- مقاله «بطین بودن امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) در روایت‌ها؛ تحلیل سندی و متنی»؛ اثر صدر و همکاران (۱۳۹۹) که این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به تحلیل سندی

و متنی روایت‌های مربوط به وصف شکم امام علی (علیه السلام) پرداخته است. در این مقاله ۱۱ روایت را که در آن‌ها وصف «بطین» به امام علی (علیه السلام) نسبت داده شده، با توجه و تمرکز بر تاریخ ورود روایات در مصادر اولیه هر یک، بررسی شده است. تحلیل سند و متن نشان می‌دهد که در سند آن‌ها از یک سو غالیان شیعه و از دیگر سو، مخالفان امام وجود دارند و در تحلیل متن، انواع اشکال‌های متنی، همچون تصحیف، نقل به معنا و اضطراب وجود دارد. مهم‌ترین یافته این مقاله، با توجه به مصدرهای روایات، آن است که زمان ساخت روایت‌ها دوران خلیفه‌های اموی است که بعدها در زمان خلافت عباسی‌ها وارد مصدرهای شیعه شده است.

- مقاله «نقد و بررسی روایات بطین بودن امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)؛ اثر ایازی (۱۳۹۸) که در این پژوهش نخست، همه مصادر حدیثی با مضامین مختلف این تعبیرها بررسی و به مسائل مختلف بیانی آن توجه و سپس به بررسی مصدر، سند و متن روایات پرداخته شده است.

- مقاله «بررسی شمایل ظاهری امام علی (علیه السلام) در کتب اهل سنت»؛ نوشته زین العابدینی (۱۴۰۲) که این مقاله با هدف تبیین برخی صفات امام علی (علیه السلام) چنین بیان داشته است که در بسیاری از کتب تاریخی درجه اول علمای اهل تسنن که درباره زندگانی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به رشته تحریر درآمده، بخش ویژه‌ای از آن مختص به صفات ظاهری امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بوده است که متأسفانه نویسندگان کتب یادشده به‌طور کاملاً مغرضانه کوشیده‌اند شخصیتی زشت از آن حضرت نشان دهند که این‌گونه خباثت‌ها بیانگر اوج کینه خاندان معاویه نسبت به آن حضرت و فضای مسموم جامعه در آن دوران فضاحت بار است. در آن کتب، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، مردی تاس، با شکمی بزرگ، قدی کوتاه، به رنگ سبزه شدید مایل به تیره، با بدنی پوشیده شده از مو، با ریشی بلندتر از یک قبضه و دارای چشمانی کوچک و ضعیف معرفی شده که در بسیاری از این صفات، الفاظ مختلف و گاه متضاد با هم نقل شده است که نشان‌دهنده تلاش حقیرانه و عامدانه نویسندگان آن‌ها برای تحت الشعاع قرار دادن فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از جمله «بطین» و «آنزع» است که از طرف پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) به عنوان فضیلت معنوی به



استشهاد می کند که به محبوه اش می گوید: اگر روزگار بین ما جدایی انداخت، تو با مردی که پشت و جلوی سرش پُر از مو است، و موی جلوی سرش خالی نیست، ازدواج نکن» (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲: ۸۱۷).

۱-۲-۴. اُزهری، محمد بن أحمد (م. ۳۷۰ ق.) در کتاب تهذیب اللغة می گوید: «نَزَعَتَانِ به دو طرفِ سر که به پیشانی متصل و خالی از مو است، گفته می شود. فعل «نزع» بر وزن فَعَلْ يَفْعَلُ، و مصدر آن بر وزن فَعَلَ است. عربها خالی بودنِ جلوی سر از دو طرفِ پیشانی را دوست می دارند و فرد دارای چنین ویژگی را به فال نیک می گیرند. و پوشیده بودنِ جلوی پیشانی از مورا مذمت می کنند، و فرد دارای چنین خصوصیت را به فال بد می گیرند و گمان می کنند کسی که پشتِ سر و پیشانی او پُر از مو باشد، لثیم و پست خواهد بود» (اُزهری، ۱۴۲۱ ق، ج ۲: ۸۴).

۱-۲-۵. صاحب بن عَبَّاد (م. ۳۸۵ ق.) در کتاب المحيط فی اللغة می گوید: «نزع به معنای قلع و کندن است، و اگر به باب افتعال برده شود، سرعتِ قلع و کندن، بیشتر می شود. و اگر کارگزاری از کار برکنار شود گفته می شود: نَزَعَ الْعَامِلُ عَنِ الْعَمَلِ». ایشان در ادامه می گوید: نَزَعَةٌ به راه کوهستانی گفته می شود. و نیز به خالی شدنِ موی جلوی سر در بالای پیشانی گفته می شود. و به مردی که جلوی سرش در بالای پیشانی، مو نداشته باشد، نَزَعَ گفته می شود» (صاحب، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۳۸۸).

۱-۲-۶. جوهری، اسماعیل بن حمَّاد (م. ۳۹۳ ق.) نیز در کتاب الصحاح، «نزع» را به معنای قلع و کندن می داند و می گوید: عرب ها می گویند: فَلَانٌ فِي النَّزَعِ یعنی فلانی در حالِ کنده شدن از زندگی است. «نَزَائِع» به زنانی گفته می شود که در غیر عشیره خود یعنی جای غریب شوهر کنند. «أَنْزَع» به مردی گفته می شود که دارای نَزَعِ آشکار باشد؛ یعنی موی سرش از دو طرفِ پیشانی ریخته شده باشد. به مکانِ بی موی بالای پیشانی، «نَزَعَةٌ» گفته می شود، و به دو طرفِ آن «نَزَعَتَانِ» گفته می شود. به زنی که موی سرِ بالای پیشانی اش ریخته شده باشد، «نَزَعَاء» گفته نمی شود، بلکه به چنین زنی، «رَعْرَاء» گفته می شود (جوهری، ۱۳۷۶ ق، ج ۳: ۱۲۸۹).

(سید علی موسوی نسب، جواد رنجبر)

۷-۱-۲. ابن فارس (م. ۳۹۵ ق.) در کتاب معجم مقاییس اللغة حروف اصلی کلمه «نزع» را سه حرف صحیح: نون، زاء و عین می‌داند و می‌گوید: این کلمه وضع شده است برای دلالت کردن بر قلع و کندن یک چیز و گفته می‌شود نَزَعْتُ الشَّيْءَ مِنْ مَكَانِهِ، و مصدر آن، نَزَعَ بر وزن فَعَلَ است. ایشان می‌گویند: اگر مصدر آن بر وزن «فُعُول» باشد، نَزُوع به معنای ترک کردن است. «نَزَعَةٌ» به مکانی از سرِ مردِ آنزَع گفته می‌شود که دو طرفِ پیشانی او خالی از مو باشد. به بالای دو طرفِ پیشانی، «نَزَعَتَان» گفته می‌شود. و «نَزَائِع» به زنانی گفته می‌شود که در غیر عشیره خود شوهر کرده باشند. و به هر غریبی، «نَزِيع» گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۵: ۴۱۵).

۸-۱-۲. ثعالبی، عبدالملک بن محمد (م. ۴۲۹ ق.) در کتاب فقه اللغة می‌نویسد: اگر مردی موی سرش از دو طرفِ پیشانی او خالی باشد، به او آنزَع گفته می‌شود. و اگر اندکی بیش از این خالی باشد، به او أَجْلَحْ گفته می‌شود. و اگر نصف سرش خالی از مو باشد، به او أَجْلَى و أَجْلَهْ گفته می‌شود. و اگر بیش از نصف سرش مو نداشته باشد، به او أَصْلَعْ گفته می‌شود. و تفاوت بین قَرَع و صَلَع این است که در اوّلی، پوست از بین می‌رود، ولی در دوّمی فقط مو زائل می‌شود (ثعالبی، ۱۴۱۴ ق: ۱۰۵).

۹-۱-۲. ابن سیده، علی بن اسماعیل (م. ۴۵۸ ق.) در کتاب «المحکم و المحیط الأعظم» می‌گوید: نزع که اسم مفعول آن منزوع و نَزِيع است، همانند انتزاع به معنای قلع و کندن چیزی است، اما سببیه معتقد است که بین نزع و انتزاع، تفاوت معنایی وجود دارد، یعنی نزع به معنای قلع و کندن است، ولی انتزاع به معنای سلب کردن و ربودن است. وی در ادامه می‌گوید: وقتی که انسان یا شتر اشتیاق به وطنش پیدا کند، گفته می‌شود: نَزَعُ إِلَى وَطَنِهِ، و مضارع آن می‌شود: يَنْزِعُ، و دو مصدر آن می‌شود: نَزَاع و نَزُوع. و سه اسم فاعل دارد: ۱. نَزُوع که جمع آن می‌شود: نَزُوعٌ. ۲. نَزَاع که جمع آن می‌شود: نَزَاعٌ. ۳. نَزِيع بر وزن فَعِيل که مؤنث آن نیز بر همین وزن است، و جمع آن می‌شود: نَزُوعٌ. ایشان در ادامه می‌گویند: «نَزَع» عبارت است از خالی شدن موی جلوی سر از دو طرفِ پیشانی. فعل ماضی آن بر وزن «فَعَلَّ»، و وصف مذکر آن «أَنْزَع»، و وصف مؤنث آن «نَزَعَاء»، و اسم مصدر آن «النَزَعَةُ» است. و «نَزَعَتَان» به رفتگی موی دو طرفِ پیشانی گفته می‌شود که به

طرفِ سر بالا رفته باشد (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۵۲۴).

۱-۲-۱۰. جار الله زمخشری (م. ۵۳۸ ق.) در کتاب أساس البلاغة می نویسد: نَزَعَ وانتزاع به معنای جذب و ربودن است، لذا گفته می شود: نَزَعَ الشيءَ مِنْ يَدِهِ، یا انتزَعَ الشيءَ مِنْ يَدِهِ. و نَزُوع به معنای بازداشتن است و گفته می شود: نَزَعَ عَنِ الأمرِ نَزُوعاً. وی در ادامه می گوید: وقتی صفت أَنْزَعَ برای مردی استفاده می شود، معنایش این است که دو طرفِ پیشانی او بَرِّاق و خالی از مو است. و مجازاً گفته می شود: نَزَعَ الأَمِيرُ العامِلَ عَن عَمَلِهِ، یعنی: امیر کارگزار خود را عزل و برکنار نمود (زمخشری، ۱۹۷۹: ۶۲۷).

۱-۲-۱۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد (م. ۶۰۶ ق.) در کتاب النهاية في غريب الحديث و الأثر می گوید: أَنْزَعَ به کسی گفته می شود که موی جلوی سرش در بالای پیشانی خالی باشد، و به دو طرفِ سر قسمت بالای پیشانی که مو نداشته باشد «نَزَعَتَان» گفته می شود. و در وصف علی (علیه السلام) آمده است: «البَطِينُ الأَنْزَعُ»، چون موی جلوی سرش خالی، و دارای شکم بوده است، ولی برخی گفته اند: مقصود این است که علی (علیه السلام) بریده شده از شرک و درونش مملو از علم و ایمان است (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۵: ۴۲).

همان گونه که مشاهده می شود «أنزع» در لغت اصلاً به معنای «کچل» استعمال نشده، بلکه یکی از صفات نیک برای مردان شمرده شده است که دلالت بر زیبایی ظاهری آن‌ها دارد؛ بنابراین، این صفت، از صفات مثبت قلمداد می شود نه منفی. ابن ابی الدنیا در کتاب مقتل خود از ابوالحجاج نقل می کند که گفت: «رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ يَخْطُبُ و كان من أحسنِ النَّاسِ وجهاً» یعنی علی بن ابی طالب را مشغول خطبه خواندن دیدم در حالی که از زیباترین مردم بود (ابن ابی الدنیا، ۱۴۱۱ق: ۷۱) و ابن عساکر از حضرت به عنوان «شیخ کثیر الشعر» یعنی پیرمرد داری موی زیاد، یاد کرده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴۲: ۱۹) و محب الطبري در کتاب الرياض النضرة می نویسد: «كان حسن الوجه كأنه قمر ليلة البدر» یعنی حضرت صورت زیبایی داشت، انگار در درخشش و زیبایی همانند ماه شب چهارده بود (محب الطبري، ۱۴۲۴ق، ج ۳: ۱۰۷).

## ۲-۲. بررسی معنای لغوی «بطین»

۲-۲-۱. خلیل بن احمد در کتاب العین می‌گوید: «بَطْن در هر چیزی، خلاف ظاهر آن است، مثلاً گفته می‌شود: درون زمین و بیرون زمین. و بطانتِ مرد یعنی محرمِ اَسْرارِ او از بین کسانی که با آن‌ها رفت‌وآمد دارد. همچنین بطانتِ مرد به معنای رازِ نهانی و باطنِ اوست. نعمتِ باطنی به نعمتِ مخصوص و نعمتِ ظاهری به نعمتِ عمومی گفته می‌شود، همان‌گونه که خداوند در آیه ۲۰ سوره لقمان می‌فرماید: وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً. رجل بطین به مردی گفته می‌شود که دارای شکم کلفتی باشد. همچنین به مردی که مال زیادی داشته باشد، بَطْن گفته می‌شود. تَبَطَّنْتُ فِي هَذَا الْأَمْرِ، یعنی طوری وارد این کار شدم که باطن و درونِ آن را پی بردم و شناختم» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۴۴۰).

۲-۲-۲. ابن دُرَید در جمهرة اللغة می‌گوید: «بَطْن» خلاف ظَهر و پشت است. به زمین گودال نیز بطن گفته می‌شود. در عرب به جمعیتِ کمتر از قبیله نیز بطن گفته می‌شود. می‌گویند: فلانی باطن و ظاهرِ کارش را برای من گسترانید، یعنی پنهان و آشکارِ کارش را برای من بیان کرد. رجل بطین یعنی مردِ دارای شکمِ بزرگ. مِبْطَان نیز به همین معناست. و رجل مِبْطَان یعنی مردِ دارای شکمِ باریک و لاغر. بَطْنَةٌ یعنی پر خوری و زیاده‌روی در سیری (ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱: ۳۶۰).

۲-۲-۳. ازهری در تهذیب اللغة می‌گوید: «بَطْن» به بزرگ شدنِ شکم گفته می‌شود و فعل آن بر وزن فَعَلَ یَفْعُلُ است. به کسی که پیوسته شکم بزرگی دارد، «مِبْطَان» گفته می‌شود. و وقتی که بگویند: رَجُلٌ مِبْطَانٌ، به معنای مردی است که شکمش لاغر باشد. و رجل بطین یعنی مردِ دارای شکمِ بزرگ. و نعمتِ باطنی یعنی نعمتِ مخصوص، و نعمتِ ظاهری یعنی نعمتِ عمومی. و رجل بطین الکرز یعنی مردی که در سفر توشه خود را پنهان می‌کند و از توشه همسفرش می‌خورد. و گفته می‌شود: أَنْتَ أَبْطَنُ بِهَذَا الْأَمْرِ یعنی توبه باطنِ این کار آگاه تر هستی و تَبَطَّنْتُ الْأَمْرَ یعنی باطنِ این کار را دانستم (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۳: ۲۵۲).

۴-۲-۲. صاحب بن عَبَّاد در المحيط في اللغة می‌گوید: بَطْن به معنای شکم، در مقابل ظَهْر است که به معنای پشت می‌باشد. رجل بَطین یعنی مردی که دارای شکم کلفت است. به مردی که دارای مال زیاد است نیز بَطین می‌گویند. بَطْن بَطْناً یعنی شکمش بزرگ شد. رجل مِبْطَان یعنی مردی که ساعات پایانی روزها دور از چشم مردم به عیش و نوش می‌پردازد. همچنین مِبْطَان به کسی گفته می‌شود که همیشه تنهایی غذا می‌خورد (صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۱۹۰).

۵-۲-۲. جوهری در صحاح اللغة می‌گوید: بَطْن به بزرگ شدن شکم از پر خوری گفته می‌شود، و وزن فعل آن بر وزن «فَرِحَ» است. بَطَانَةُ الرَّجُلِ به محرم اَسْرار مرد گفته می‌شود. وقتی می‌گویی «أَبْطَنْتُ الرَّجُلَ» یعنی آن مرد را از خواص و نزدیکان خود قرار داده‌ای. بَطْن به مرد شکم گنده‌ای گفته می‌شود که تمام هم و غم او شکمش است. بَطین یعنی بزرگ شکم. و بَطین یعنی دور (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۵: ۲۰۷۹).

۶-۲-۲. ابن فارس در معجم مقاییس اللغة می‌گوید: «حروف اصلی کلمه بطن عبارتند از: باء و طاء و نون. وقتی می‌گویی «بَطَنْتُ هَذَا الْأَمْرَ» که باطن آن را شناخته باشی. بَطین به مردی که شکم بزرگ داشته باشد گفته می‌شود. مَبْطُون به کسی می‌گویند که بیماری شکمی داشته باشد. مِبْطَان به کسی می‌گویند که خورد و خوراکش زیاد باشد. و مَبْطُن به کسی می‌گویند که شکم کوچک و لاغر داشته باشد» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۵۹).

۷-۲-۲. راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید: «به هر چیزی که حس ظاهری آن را درک کند، ظاهر می‌گویند و به هر چیزی که از حس ظاهری مخفی باشد، باطن می‌گویند. بَطین به کسی می‌گویند که دارای شکم بزرگ باشد. و بَطْن کسی را می‌گویند که زیاد می‌خورد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۳۰).

۸-۲-۲. ابن سیده در المحکم و المحيط الأعظم می‌نویسد: «رجل بَطین یعنی مرد دارای شکم بزرگ. به داخل هر چیزی، باطن گفته می‌شود. بَطْن ثوبه بَثوبٍ آخر یعنی لباسی را زیر لباس دیگر قرار داد. رجل بَطْن یعنی مرد دارای مال زیاد» (ابن سیده،

۱۴۲۱ق، ج ۹: ۱۹۲).

۲-۲-۹. ازدی در کتاب الماء می‌گوید: «بِطَانَةِ الرَّجُلِ یعنی شخص رازداری که در زمینه‌های مختلف به انسان مشاوره می‌دهد. بَطِين به مرد شکم کلفت گفته می‌شود. و مِبْطَان به شکم کلفتی گفته می‌شود که بسیار می‌خورد» (ازدی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۳۱).

۲-۲-۱۰. حمیری در شمس العلوم می‌نویسد: «بَطِين یعنی شکم کلفت. همچنین به مرد دارای مال زیاد، بَطِين گفته می‌شود. به این جهت در تعبیر خواب گفته‌اند: دیدن شکم کلفت در خواب، دلالت بر زیادی مال صاحب خواب دارد. همچنین دیدن ورم و سایر کلفتی بدن در خواب، دلالت بر زیادی مال دارد» (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۵۵۸).

از مجموع بیانات لغویان که نقل شد استفاده می‌شود که بَطِين در توصیف ظاهری، به کسی گفته می‌شود که دارای شکم بزرگ یا ضخیم باشد، اما منشأ این بزرگی و ضخامت شکمش، پرخوری نیست، چون به شکم بزرگ پُر خور «مِبْطَان» گفته می‌شود نه بَطِين. و به پُر کردن شکم از غذا، «بِطَانَةَ» گفته می‌شود. لذا امیرالمؤمنین (علیه السلام) مِبْطَان و بَطِين بودن را از خود نفی می‌کند و می‌فرماید: «أَوْ أَيْتَ مِبْطَانًا وَ حَوْلِي بُطُونٌ غَزْثَى وَ أَكْبَادٌ حَرَّى، أَوْ أَكُونُ كَمَا قَالَ الْقَائِلُ: "وَوَحْسَبُكَ (عَارًا) دَاءٌ أَنْ تَبَيْتَ بِبِطَانَةٍ - وَ حَوْلِكَ أَكْبَادٌ تَحِنُّ إِلَى الْقِدِّ»؛ آیا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشند؟! یا چنان باشم که شاعر گفت؟ «این درد (ننگ) تو را بس که شب را با شکم پُر از غذا بخوابی در حالی که اطراف تو شکم‌هایی گرسنه و به پشت چسبیده باشند» (نهج البلاغه، نامه ۴۵)؛ بنابراین، بَطِين بودن فی نفسه، از اوصاف مذموم شمرده نمی‌شود.

اما در خصوص امیرالمؤمنین (علیه السلام) اولاً: دلیل محکمی بر بزرگ بودن شکم حضرت وجود ندارد، بلکه شواهد و قراین بر خلاف آن است. چون مردی که اکثر روزهایش روزه بوده، و در غذا خوردن به حداقل اکتفا می‌کرده و شاید هیچ وقت غذای سیر نمی‌خورده است، طبیعتاً نمی‌تواند شکم بزرگی داشته باشد. حضرت در بخشی از نامه‌اش به عثمان بن حنیف استاندار بصره می‌نویسد: «به خدا سوگند! من از دنیای شما طلا و نقره‌ای

نیندوخته‌ام و از غنایم و ثروت‌های آن مالی ذخیره نکرده‌ام، و برای این لباس کهنه‌ام بدل و جایگزینی مهیا نساخته‌ام، و از زمین آن حتی یک وجب در اختیار نگرفته‌ام، و از دنیا بیش از خوراکِ مختصر و ناچیز برنگرفته‌ام، ... هیهات که هوا و هوس بر من چیره شود و حرص و طمع مرا وادار کند تا طعام‌های لذیذ برای خویش برگزینم در حالی که ممکن است در سرزمین حجاز یا یمامه کسی باشد که حتی امید به دست آوردن یک قرص نان را هم نداشته باشد ...» (همان).

ثانیاً: تعبیراتی مثل: «ضخم البطن»، «عظیم البطن»، «له بطن»، «ذو بطن» در خصوص امیرالمؤمنین با توجه به شواهد و قراین، نفی لاغری حضرت است یعنی شکم ایشان استخوانی و به پشت چسبیده نبوده است، بلکه متناسب با بدن قوی او، کامل و قابل رؤیت بود. مردی که قهرمان میدان نبرد و فاتح خیبر بود و شجاعان عرب از شنیدن نام او هراسناک می‌شدند، باید بدنی قوی و متوازن داشته باشد. لذا تیمی اصفهانی در کتاب دلائل النبوة در توضیح ضخیم البطن بودن داود نبی می‌نویسد: «اینکه گفته‌اند حضرت داود ضخیم البطن بوده، معنایش این است که شکم ایشان تورفته نبود به طوری که به پشت اش چسبیده باشد، بلکه شکمش متوازن با سایر اعضای بدن بوده و در دیده‌ها جلوه‌ای زیبا داشته است» (تیمی اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۹۵).

ثالثاً: از روایات زیادی استفاده می‌شود که رسول گرامی اسلام ﷺ اولین کسی بود که دو صفت آنزع و بطین را برای علی (علیه السلام) به کار برد و مقصود از این دو صفت را توضیح داد. شیخ صدوق در عیون أخبار الرضا نقل می‌کند که رسول خدا به امیرالمؤمنین فرمود: «فَأَبْشِرْ فَإِنَّكَ الْأَنْزَعُ الْبَطِينُ مَنْزُوعٌ مِنَ الشَّرْكِ بَطِينٌ مِنَ الْعِلْمِ»؛ بشارت باد به تو (ای علی!) که آنزع بطین هستی، گنده و جدا شده از شرک، پُر شده از علم و دانش (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۴۷)؛ بنابراین، کلمه بطین که در برخی دعاها و زیارت‌نامه‌ها برای امیرالمؤمنین استعمال شده به همان معنایی است که رسول گرامی اسلام ﷺ برای علی (علیه السلام) را به آن توصیف کرده است؛ یعنی کسی که درونش پُر از علم و یقین و معرفت است، همان‌گونه که خود فرموده است: «لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا ازْدَدْتُ يَقِيناً»؛ اگر پرده‌های مادی کنار رود و حقایق هستی آشکار شود، ذره‌ای بر یقین و معرفت من افزوده نگردد (دیلمی،

۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۱۲۴).

### ۲-۳. تحلیل معنایی «أنزع» و «بطین» در روایات

۲-۳-۱. شیخ صدوق (م. ۳۸۱ ق.) در کتاب علل الشرائع نقل می‌کند که مردی نزد عبدالله بن عباس آمد و به او گفت: درباره «أنزع بطین علی بن ابیطالب» به من خبر بده که چگونه شخصیتی است؟ چون مردم در باره او اختلاف نظر دارند. ابن عباس گفت: ای مرد! در باره شخصی از من پرسیدی که بعد از رسول خدا ﷺ هیچ فردی با فضیلت‌تر از او بر روی زمین پانتهاده است. وی برادر رسول خدا و پسر عموی او و وصی او و جانشین او بر امتش است. او بریده شده از شرک و پُر از علم و دانش است. از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: هر کس که می‌خواهد فردای قیامت اهل نجات باشد باید دامن این آنزع یعنی علی بن ابی طالب را بگیرد (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۵۹).

از این روایت با صرف نظر از اشکال سندی، سه نکته فهمیده می‌شود: نکته اول این است که امیرالمؤمنین در میان اصحاب پیامبر اسلام ﷺ به این دو صفت شهرت داشته‌اند. نکته دوم این است که صحابی برجسته حبرالامه جناب ابن عباس آنزع را به «بریده شده از شرک» و بطین را به «پُر از علم و دانش» معنا کرده است. و نکته سوم این است که رسول خدا ﷺ طبق نقل ابن عباس در مقام مدح و ستایش علی (علیه السلام) فرمودند: هر کس که می‌خواهد فردای قیامت اهل نجات باشد باید دامن این آنزع را بگیرد.

۲-۳-۲. محمد بن حسن صفار (م. ۲۹۰ ق.) در کتاب بصائر الدرجات به اسناد خودش از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود: «رسول خدا ﷺ فرمودند: دامن این آنزع یعنی علی (علیه السلام) را بگیرد، چرا که او راستگوی بزرگ و جداکننده بین حق و باطل است. هر کس به او عشق بورزد خداوند هدایتش فرماید و هر کس او را دشمن بدارد خداوند گمراهش نماید...» (صفار، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۵۳).

از این روایت که در مقام ستایش به تمام معنای امیرالمؤمنین است، استفاده می‌شود که صفت «أنزع» از صفات توصیفی است که طبیعتاً باید متناسب با اوصافی باشد که در

این روایت برای حضرت ذکر شده است. به نظر می‌رسد با معنای «بریده شده از شرک» تناسب بیشتری داشته باشد.

۲-۳-۳. شیخ صدوق در کتاب عیون أخبار الرضا به إسناد خودش نقل می‌کند که «رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین فرمود: ای علی! خدای متعال تو را و خاندان تو را و شیعیان تو را و دوستان تو را و دوستان شیعیان تو را و دوستان دوستان شیعیان تو را آمرزیده است. بشارت باد به تو که انزع بطین هستی یعنی: بریده شده از شرک و پیر از علم و دانش هستی» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۴۷).

در این روایت نیز رسول خدا ﷺ به صراحت بیان می‌فرماید که مقصود از وجود این دو صفت در امیرالمؤمنان علی (علیه السلام) صفت والای معنوی است.

۲-۳-۴. حسین بن حمدان خصیبی (م. ۳۳۴ق). در کتاب الهدایة الكبرى، در مقام بیان القاب علی (علیه السلام) مهم‌ترین و بزرگ‌ترین لقب آن حضرت را امیرالمؤمنین ذکر می‌کند و می‌گوید: «این لقبی است که خداوند فقط به حضرت اختصاص داده و برای هیچ کس قبل از علی، لقب امیرالمؤمنین استعمال نشده است. و بعد از او نیز کسی به این لقب نامیده نمی‌شود مگر اینکه عقلش ناقص و ذاتش خراب باشد.» وی سپس تعداد زیاد دیگری از القاب حضرت را ذکر می‌کند، از جمله: «أَمِيرُ النَّحْلِ، الْوَصِيُّ، الْإِمَامُ، الْخَلِيفَةُ، سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، الصَّدِيقُ الْأَعْظَمُ، الْقَارِئُ الْأَكْبَرُ، قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ، قَاضِي الدِّينِ، مُنْجِزُ الْوَعْدِ، الْمَحْنَةُ الْكُبْرَى، صَاحِبُ اللَّوَاءِ، الدَّائِدُ عَنِ الْحَوْضِ، مُهْلِكُ الْجَانِّ، الْأَنْزَعُ الْبَطِينِ» (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۹۳).

از این روایت نیز با توجه به سیاق و در نظر گرفتن سایر صفات مذکور در این روایت چنین استنباط می‌شود که دو صفت «أنزع و بطین»، از صفات معنوی امیرالمؤمنین محسوب می‌شوند و معنای بریده شده از شرک و درون پُر از علم و دانش، می‌تواند بهترین معنا برای این دو لقب باشد.

۲-۳-۵. مرحوم نعمانی (م. ۳۶۰ق). در کتاب الغیبة خودش به نقل از جابر بن عبدالله

انصاری می‌نویسد: «وقتی که تعدادی از مردم یمن به مدینه آمدند و خدمت رسول خدا ﷺ رسیدند، حضرت شروع کرد از آن‌ها تعریف کردن، و فرمود: این‌ها کسانی هستند که جانشین من و جانشین وصیِّ مرا یاری خواهند کرد. و وقتی که یمنی‌ها پرسیدند: وصیِّ شما کیست؟ حضرت اوصافی را برای وصی خودش بیان کرد. آن‌گاه فرمود: خودتان از بین اصحابم او را پیدا کنید. تعدادی از بزرگان قبایل یمنی برخاستند و به میان اصحاب رفتند و چهره‌ها را از نظر گذراندند و بعد دست مردی را گرفتند که أَنْزَع، أَصْلَع و بَطِين بود و گفتند: ای رسول خدا! دل‌های ما به جانب این شخص گرایش دارد، پس پیامبر اکرم ﷺ فرمود: شما بندگان بزرگوار خدا هستید که جانشین رسول خدا را پیش از آنکه به شما معرفی شود شناختید، اکنون بگویید چگونه دانستید که او همان شخص است؟ پس همه بزرگان یمنی در حالی که با صدای بلند گریه می‌کردند، گفتند: ای رسول خدا! ما به جمعیت اصحاب شما نگاه کردیم و دل‌های ما به هیچ کدام از آنان تمایلی نشان نداد، ولی وقتی این شخص را دیدیم دل‌های ما به طیش افتاد و سپس آرامشی در وجود ما پدید آمد و جگرهایمان جوشید و اشک از دیدگانمان سرازیر شد و دل‌هایمان آرامش یافت به طوری که احساس کردیم او پدر ماست و ما فرزندان او هستیم (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۳۹-۴۰).

از این روایت با توجه به سیاق آن، دو گونه می‌شود برداشت کرد: احتمال اول این است که مقصود از أَنْزَع و بَطِين، صفات معنوی باشد که قبلاً به آن اشاره شد. احتمال دوم این است که مقصود از این دو صفت، صفت ظاهری باشد که به‌زودی توضیح داده خواهد شد.

۲-۳-۶. شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمة، داستان مفصل سفر تجاری جناب ابوطالب به همراه برادرزاده اش محمد امین هشت ساله را به شام نقل می‌کند و اینکه در یکی از منازل، یک راهب مسیحی به نام بحیرا، شیفته رسول خدا ﷺ می‌شود و پیش‌بینی‌های خود را از آینده بیان می‌کند، از جمله به ابوطالب می‌گوید: «من می‌دانم با وجود اینکه درونت پُر از ایمان به رسول خداست، ولی در ظاهر (به خاطر جان خود و او) به وی ایمان نمی‌آوری، لکن فرزندی از تو به دنیا خواهد آمد که به او ایمان می‌آورد و

یاریگر او خواهد شد. نام این فرزندت در آسمان‌ها «البَطَلُ الهَاصِر» و در روی زمین «الشجاع الأنزع» خواهد بود» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۱: ۱۸۷).

دو نکته از این روایت فهمیده می‌شود: نکته اول این است که صفت «أنزع» قبل از تولد امیرالمؤمنین بر ایشان اطلاق شده است و نکته دوم این است که مقصود از این صفت، صفت معنوی است یعنی دور بودن حضرت از شرک و بت‌پرستی.

۲-۳-۷. محمد بن جریر طبری صغیر از دانشمندان قرن پنجم هجری در کتاب نوادر المعجزات، معجزه ای را از قول میثم تمار دال بر سوار شدن امیرالمؤمنین به همراه عمار بر یک تکه ابر و سفر آن‌ها به یکی از جزایر چین نقل می‌کند، سپس در توصیف حضرت می‌گوید: فنهض العالم الأورع، و البطین الأنزع صلوات الله علیه، و رقی من المنبر مراق ثم تنحح، فسكت الناس، فقال عليه السلام: رحم الله من سمع فوعى...» (طبری صغیر، ۱۴۲۷ ق،: ۱۳۳).

۲-۳-۸. طبری همچنین در این کتاب از أصبغ بن نباته نقل می‌کند که غلامی در نزد امیرالمؤمنین اقرار به سرقت کرد و حضرت دستور داد حد سرقت را بر او جاری کردند. خارجی ملعون ابن کواء از روی شماتت به این غلام گفت: چه کسی دستت را قطع کرده است؟ غلام در حالی که دست بریده‌اش را به دست دیگرش گرفته بود گفت: «قَطَعَ يميني الأنزعُ البطین، و بابُ اليقين، و حبلُ الله المتين، و الشافعُ يوم الدين، المصلِّي إحدى و خمسين ... إمامُ الحق، و سيّدُ الخلق، فاروقُ الدين، و سيّدُ العابدین، و إمامُ المتقين، و خيرُ المهتدين...» (طبری صغیر، ۱۴۲۷ ق: ۱۵۵-۱۵۶). در این دو روایت نیز صفت‌های «بطین» و «أنزع» با توجه به سیاق، صفت معنوی محسوب می‌شوند، نه صفت ظاهری برای بیان شکل و شمایل آن حضرت.

۲-۳-۹. منتجب الدین ابن بابویه رازی متوفای ۵۸۵ قمری در کتاب چهل حدیث خودش از اُمّ المؤمنین عایشه نقل می‌کند که در توصیف امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) گفت: «كَانَ وَاللَّهِ سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ، وَابْنَ عَمِّ حَاتِمِ الْأَنْبِيَاءِ، وَإِمَامَ الْأَتْقِيَاءِ وَالْأَصْفِيَاءِ، وَرَوْحَ الْبُتُولِ الرَّهْرَاءِ، وَسَيْفَ اللَّهِ الْمَسْلُوقِ عَلَى الْأَعْدَاءِ، أَمِيرَ الْبَرَّةِ، وَفَاتِلَ الْكُفْرَةِ، وَ...، الْأَنْزَعُ الْبَطِينُ...»؛

(سید علی موسوی نسب، جواد رنجبر)

قسم به خدا که علی آقای جانشینان، پسر عموی خاتم پیامبران، پیشوای پرهیزگاران و برگزیدگان، شوهر زهرای بتول، شمشیر برهنه خدا بر سر دشمنان، امیر نیکان، قاتل کافران، و... و آنزع بطین بوده است (منتجب الدین رازی، ۱۴۰۸ ق: ۹۳-۹۴).

۲-۳-۱۰. ابن شهر آشوب مازندرانی (م. ۵۸۸ ق.) در کتاب «مناقب آل ابی طالب»، فصلی گشوده است که در آن القاب امیرالمؤمنین را به ترتیب حروف الفبا بیان کرده است. در حرف العین می گوید: «السَّيِّدُ الْأَوْعُ وَالْمَلْجَأُ وَالْمَفْزَعُ وَالْمَنْهَلُ وَالْمَكْرَعُ وَالسَّجَادُ الْأَنْزَعُ وَالْبَطِينُ الْأَصْلَعُ...» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۳: ۲۸۵).

همان گونه که پیداست این دو روایت نیز در مقام بیان اوصاف معنوی امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستند و ارتباطی با بیان شکل و شمایل ظاهری ندارند؛ بنابراین، با قاطعیت می توان گفت استعمال دو وصف «أنزع» و «بطین» در روایات و دعاها و زیارت نامه های مأثور، هرگز به معنای توصیف شکل ظاهری آن حضرت نیست.

### ۳. نتیجه گیری

نتایج ذیل از آنچه بیان شد، به دست می آید:

- «أنزع» یک وصف ستایشی است و به کسی گفته می شود که دارای پیشانی بزرگ و فاقد موی جلوی سر از دو طرف پیشانی است. معنا کردن این کلمه به «کچل»، با واقعیت های لغوی و استعمالات عرفی این کلمه اصلاً تطابق ندارد.

- «بطین» گرچه به معنای مرد دارای شکم بزرگ استعمال شده است، اما این بزرگی شکم در بطین بر اثر پُر خوری نیست، چون به کسی که بر اثر پُر خوری دارای شکم بزرگ باشد، «مِبطان» گفته می شود.

- دلیل قابل اعتمادی بر بزرگ بودن شکم علی (علیه السلام) وجود ندارد، بلکه شواهد و قراین دقیقاً برعکس آن است، چون کسی که خود را به غذاهای بسیار ساده و اندک عادت داشته باشد طبیعتاً نمی تواند از شکم بزرگی برخوردار باشد.

- اولین کسی که صفت «أنزع بطین» را برای علی علیه السلام به کار برده، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بوده است و فرمود: أنزع یعنی بریده شده از شرک و بطین یعنی پُر شده از علم و دانش؛ بنابراین تعبیر به این دو صفت در برخی دعاها و زیارت‌نامه‌ها ارتباطی به توصیف شکل و شمایل ظاهری حضرت ندارد، بلکه اشاره است به همان توصیف معنوی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از امیرالمؤمنین علی علیه السلام کرده است.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

### نهج البلاغه

- ابن ابی الدنيا، عبدالله بن محمد. (۱۴۱۱ق). **مقتل الإمام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب**. محقق: محمداقرا محمودی. تهران: موسسه چاپ و نشر.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). **النهاية في غريب الحديث والأثر**. محقق: محمود محمد طناحي. چاپ چهارم. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵). **علل الشرائع**. قم: کتاب فروشی داوری.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸ق). **عیون أخبار الرضا**. محقق: مهدی لاجوردی. تهران: نشر جهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵ق). **کمال الدین وتمام النعمة**. محقق: علی اکبر غفاری. چاپ دوم. تهران: انتشارات اسلامیه.
- ابن دُرَید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸م). **جمهرة اللغة**. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق). **المحکم والمحیط الأعظم**. محقق: عبدالحمید هنداوی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). **مناقب آل ابی طالب**. قم: انتشارات علامه طباطبائی.
- ابن عساکر، علی بن حسین. (۱۴۱۵ق). **تاریخ مدینة دمشق**. محقق: علی شبری. بیروت: انتشارات دارالفکر.
- ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). **معجم مقاییس اللغة**. محقق: عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابوعبید، قاسم بن سلام. (۱۹۹۰م). **الغریب المصنّف**. محقق: محمد مختار العبیدي. تونس: المؤسسة الوطنية للترجمة والتحقیق و الدراسات بیت الحكمة.
- أزدي، عبدالله بن محمد. (۱۳۸۷). **کتاب الماء**. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- أزهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). **تهذیب اللغة**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ایازی، سید علی محمد. (۱۳۹۸). نقد و بررسی روایات بطنین بودن امام علی بن ابی طالب (علیه السلام). **دین و دنیای معاصر (پرتو وحی)**. دوره ۶. شماره ۱۱. صص: ۱-۲۴.
- تیمی اصفهانی، اسماعیل بن محمد. (۱۴۰۹ق). **دلایل النبوة**. محقق: محمد محمد الحداد. الرياض: دارطیبة.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد. (۱۴۱۴ق). **فقه اللغة**. محقق: جمال طلبه. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). **الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية**. محقق: احمد عبدالغفور العطار. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق). **شمس العلوم ودواء کلام العرب من الکلوم**. دمشق: دارالفکر.
- خصیبی، حسین بن حمدان. (۱۶۱۹). **الهدایة الكبرى**. بیروت: موسسه البلاغ.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲ق). **إرشاد القلوب إلى الصواب**. قم: نشر الشریف الرضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. بیروت: دارالقلم.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۹۷۹م). **أساس البلاغة**. بیروت: دار صادر.
- زین العابدینی، سجاد. (۱۶۰۲). «نقد و بررسی شمایل ظاهری امام علی (علیه السلام) در کتب اهل سنت». **بلاغ مبین**. شماره ۶۴ و ۶۵.

صص: ۲۶-۴۸.

- صاحب، اسماعیل بن عبّاد. (۱۴۱۴ق). **المحیط فی اللغة**. محقق: محمد حسن آل یاسین. بیروت: عالم الكتاب. صدر، مریم سادات؛ مهریزی، مهدی؛ سرشار، مژگان. (۱۳۹۹). «بطین بودن امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) در روایتها؛ تحلیل سندی و متنی». **علوم حدیث**. سال ۲۵. شماره ۹۷. صص: ۱۴۷-۱۷۴.
- صقّار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم**. محقق: محسن کوچه باغی. چاپ دوم. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- طبری صغیر، محمد بن جریر بن رستم. (۱۴۲۷ق). **نوادیر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة علیهم السلام**. قم: انتشارات دلیل ما.
- عشایری منفرد، محمد. (۱۴۰۱). «تحلیل معنایی صفت «آنزع بطین» در منابع فریقین». **پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی**. سال نهم. شماره ۱۶. صص: ۱۶۷-۱۸۰.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). **کتاب العین**. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.
- فقیه ایمانی، سیدمحمدرضا؛ کریمی، محمود. (۱۳۹۵). «نقد و تحلیل روایات «الآنزع البطین» در جوامع روایی فریقین». **پژوهشنامه قرآن و حدیث**. شماره ۱۹. صص: ۱۰۱-۱۲۴.
- محبّ الطبری، احمد بن عبدالله. (۱۴۲۴ق). **الریاض النّضرة فی مناقب العشرة**. چاپ دوم. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- منتجب الدین رازی، علی بن عبیدالله بن بابویه. (۱۴۰۸ق). **الأربعون حدیثا عن أربعین شیخا من أربعین صحابیا فی فضائل الإمام امیرالمؤمنین (علیه السلام)**. قم: مدرسه الإمام المهدي (علیه السلام).
- نُعمانی، ابن ابی زید محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). **الغیبة**. محقق: علی اکبر غفّاری. تهران: نشر صدوق.

## A Semantic Analysis of the Epithets “Anza” and “Baṭīn” among the Attributes of Imam Alī (Peace Be Upon Him)

Seyyed Ali Mousavi nasab <sup>1</sup> Javad Ranjbar <sup>2</sup>

Received: September 30 , 2025

Revised: October 19 , 2025

Accepted: October 23 , 2025

### Abstract

Conceptual analysis and the exploration of the semantic implications of words represent innovative approaches in modern literary research. The semantic method offers a new perspective on conceptual and lexical studies, as well as on the semantic network of meanings. Hadith scholars, historians, and biographers have described numerous attributes of Imam Alī (peace be upon him). Among these, the two epithets “Anza” and “Baṭīn” have attracted particular attention from many researchers. In this article, employing a descriptive–analytical approach and drawing upon authentic lexical and narrative sources, the original roots and semantic connotations of these two epithets are examined. The findings indicate that, first, the terms “Anza” and “Baṭīn” in the Arabic language are considered laudatory and positive attributes, bearing no negative connotations. Secondly, the narrations that attribute these two epithets to Imam Alī (peace be upon him) primarily aim to describe his inner and spiritual qualities. Thirdly, the first person to use the epithet “Anza” and “Baṭīn” for Imam Alī (peace be upon him) was the Holy Prophet Muhammad (peace be upon him), who stated that Anza signifies “one who is cut off from polytheism,” and Baṭīn denotes “one who is filled with knowledge and wisdom.” Therefore, the use of these two epithets in certain supplications and ziyārah texts bears no relation to the physical appearance of Imam Alī (peace be upon him); rather, it refers to the same spiritual characterization expressed by the Holy Prophet (peace be upon him).

**Keywords:** Imam Alī· Epithets “Anza” and “Baṭīn”· Semantic.

1. Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran: Seyedali770@pnu.ac.ir

2. Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author): j.ranjbar@pnu.ac.ir